



پینگ پنگ سیاسی در عرصه سیاسی آمریکا و ایران

یعنی همان راه‌حلی که روسیه پیشنهاد کرد. یک گام حکومت اسلامی برای روشن ساختن پیچیدگی‌های اتمی بردارد و متقابلاً آمریکا و اتحادیه اروپا بخشی از تحریم‌ها را لغو کنند. در چنین شرایطی اوضاع اسفناک اقتصادی در ایران روبه بهبودی خواهد رفت و مردمی که در طول سال‌های اخیر، بسیار گرسنگی و تنگدستی را تحمل کرده‌اند با یک رفاه نسبی روبرو خواهند شد. آیا مردمی که همه این سال‌ها سختی کشیده‌اند - با رسیدن به یک رفاه نسبی - شاد خواهند شد دست به قیامی می‌زنند که نمی‌دانند بعد از آن چه پیش خواهد آمد؟!!

ملاحظه می‌کنید که طرح آقای "اوباما" آن‌گونه که مفسر سیاسی تلویزیون سی.ان.ان می‌گوید با واقعیت‌های آن مملکت همخوانی ندارد و این طرح، می‌تواند یک "رویا" و یا "پندار" تلقی شود تا یک برنامه منظم قابل‌الاجرا خاصه که در شرایط فعلی، مردی چون هاشمی رفسنجانی که از آغاز انقلاب نقش اولی را آشکار و پنهان به عهده داشته تا جایی که می‌توان گفت، او نماینده اول "امدادهای غیبی" در حکومت اسلامی بوده، برای اولین بار همین روز گذشته بطور رسمی اعلام کرد حکومت اسلامی باید برای روشن شدن وضع پرونده اتمی و کاسته شدن از شدت تحریم‌ها، گام نخست را بردارد و آن بخش‌های پوشیده‌ای را که از نظر بازرسان انرژی اتمی مکتوم مانده و اسرارآمیز جلوه می‌کند، برای جهانیان روشن سازد. او می‌گوید "مسیری که طی چند سال اخیر پیموده شده، کاملاً اشتباه بوده است و باید تا "دیر نشده" از این مسیر اشتباه بازگردیم و با جهانیان همگانی و همراهی کنیم تا بتوانیم "حکومت اسلامی" را حفظ کنیم. در این حالت است که بازار داغ انتخابات ریاست جمهوری، در آمریکا جریان دارد و در آن سو هنوز ده ماهی به انتخابات ریاست جمهوری در حکومت اسلامی باقی مانده که تمامی بحث‌های داخلی، به جای هر نوع چاره‌جویی جهت مقابله با تحریم‌هایی که کمر مردم را شکسته در جریان است.

سه‌شنبه شب آقایان "اوباما" و "رامنی" برای دومین بار در یک مناظره انتخاباتی شرکت کردند. مناظره‌ای که به گفته تمام ناظران، "مشاجره" یود نه مناظره! هر دو سخت به هم تاختند، هر دو سخت از سیاست‌های یکدیگر انتقاد کردند؛ هر دو خارج از سابقه و گذشته مناظره‌های انتخاباتی ریاست جمهوری در آمریکا "پرخاشجویانه" با هم روبرو شدند. اوباما که در مناظره اولیه، ضعیف، ترسیده و غیرمتمرکز به نظر می‌رسید، در مناظره دوم، مانند همیشه، خوش‌سخن و متمرکز به میدان آمد. خاصه اینکه یک "بازی پینگ‌پنگ سیاسی" بسیار ظریف اما جالب توجه برای مردم آمریکا با وزیر امور خارجه خود "هیلاری کلینتون" بازی کرد. بدین معنا که در آستانه این مناظره خانم کلینتون، مسئولیت کشته شدن سفیر آمریکا و سه تن دیگر از کادر سیاسی آمریکا در "بنغازی" یا "پنتخت لیبی" را به عهده گرفت و اعتراف کرد کوتاهی از من بوده است، اما اوباما در مناظره اعلام کرد که من فرمانده کل قوا هستم و همواره مسئولیت‌های "اشتباه" به عهده شخص من است و من خود این مسئولیت را به عهده می‌گیرم که همانگونه که در بالا اشاره کردم نوعی "بازی پینگ‌پنگ سیاسی" بود که به نفع اوباما تمام شد. تا لحظه‌ای که این مقاله تحریر می‌شود، آمارهای حقیقی و واقعی از این‌که کدامیک در این مناظره برنده بیرون آمدند اعلام نشده. زیرا آمارهای ارائه شده در مورد مسائل مختلف بود. مانند این‌که در زمینه اقتصادی گفته شد رامننی ۵۸ درصد آراء رای خود اختصاص داد. اما در زمینه مالیات‌ها اوباما پنجاه درصد آراء رای برد. یا در مورد بودجه ۵۹ درصد به رامننی و ۳۲ درصد به اوباما رای دادند. بدین ترتیب نمی‌توان آراء قطعی را در کل مناظره به روشنی و قاطعیت روی کاغذ آورد، که به طور قطع تا فردا جمع‌بندی‌ها انجام خواهد گرفت و خوانندگان ارجمند از طریق روزنامه صبح ایران از آن مطلع خواهند شد. تا گفته نگذاریم که همین بازی پینگ‌پنگ سیاسی است که در حال حاضر در ایران خودمان نیز جریان دارد!

روز گذشته به بررسی دیدگاه مفسر سیاسی تلویزیون جهانی "سی.ان.ان" در آمریکا پرداختیم و گفتیم از نظر این مفسر که معروف است طی چهار سال گذشته، عقایدش با افکار "اوباما" رئیس‌جمهور آمریکا، همخوانی و همراهی دارد. آمریکا در قبال حکومت اسلامی سه هدف را دنبال می‌کند و شرح دادیم که این سه هدف در کوتاه مدت، میان مدت و بالاخره درازمدت باید انجام گیرد.

هدف کوتاه مدت، عبارت است از تسلیم بی‌چون و چرای حکومت اسلامی در مورد پرونده اتمی... هدف میان مدت، تعهد سپردن حکومت اسلامی برای عدم حمایت از گروه‌های تروریستی و هدف سوم، کشاندن مردم ایران به اوجی از عصبانیت و خشم برای قیام علیه حکومت اسلامی و یکسره ساختن این حکومت و بجای گذاشتن یک لکه سیاه و یا به قول شادروان "شاپور بختیار" یک پرتنژ سیاه در تاریخ ایران است.

سیس شرح دادیم که نمی‌تواند این اهداف با واقعیت‌های جاری در آن مملکت همخوانی داشته باشد. زیرا تمام ارکان حکومت اسلامی و گردانندگان این حکومت و حتی آن‌ها که برای دریافت سهمی از قدرت با یکدیگر در حال ستیز هستند تا جایی که آبرویی برای رژیم به عنوان "یک حکومت و دولت" نگذاشته‌اند، کما این‌که خامنه‌ای که فرمانده کل قوا و تمامی مملکت است، عرش می‌کند که "ساکت باشید" اختلافات را بر ملا نسازید و بیش از این موجبات آبروریزی حکومت را فراهم نیاورید، همه در یک نکته با هم اشتراک نظر دارند و آن هم این است که حکومت اسلامی باید حفظ شود و بماند.

و وعده دادیم امروز بیشتر به این مسئله بپردازیم؛ دلیل همخوانی همه گروه‌های داخل کشور (غیر از مردم) بر ماندگاری این حکومت ننگین و غیرانسانی و ضدایرانی، ابتدا و قبل از همه این است که در طول ۳۳ سال گذشته، حکومت اسلامی مرکز تجمع "گومپن" های مملکت بوده است.

کسانی که در گذشته، نه فقط بویی از سیاست نبرده بودند که حداکثر تجربه آن‌ها در مدیریت اداره یک "تیمچه" در بازار، "دکه" در میدان شهر و یا یک "محوطه اختصاصی" در میدان "بارفروشان" بوده است. حتی به خواب نمی‌دیدند که روزی و روزگاری، با شوخی تلخ سرنوشت، آنها به عنوان مدیران مملکت، وکیل و وزیر و رئیس‌جمهور و بالاتر از همه به عنوان "فرمانده کل قوا" و رئیس تام‌الاختیار کشور شناخته شوند. بس با همه غروری که آن‌ها را فرا گرفته است می‌توانند درک کنند که بلافاصله پس از تغییر این رژیم، اگر به دست توده‌های عصبانی مردم قتل عام نشوند و یا در دادگاه‌های ملی به اعدام محکوم نگردند و حداقل به زندان‌های طویل‌المدت نیافتند، این است که باید بازگردند سر شغل و حرفه اصلی خود که قبل از انقلاب اسلامی داشته‌اند! بنابراین، با تمامی توی سر و کول زندان‌ها و ستیزها و زیادخواهی‌ها، در نهایت حکومت اسلامی را حفظ خواهند کرد و خواهان باقی ماندن این حکومت می‌باشند.

از سوی دیگر، بدیهی است که قدرت و ثروت در اختیار همین گروه است و همین گروه هستند که در لباس‌های گوناگون و از جمله فرماندهان سپاه پاسداران، اجازه نخواهند داد که در آن مملکت قیامی نظیر سال ۵۷ انجام گیرد. مگر این‌که ماجراهایی نظیر سوریه روی دهد. یک کشتار همگانی و خونین و بی‌ترجم و ویرانی شهرها و در نهایت دخالت نیروهای بیگانه، از سوی دیگر مردم، همین حالا از میزان خشونت و بی‌ترجمی این حکومت باخبر هستند و به همین دلیل هم هست که بعد از دو اعتراض بزرگ، اما بی‌نتیجه که به کشتار بسیاری از مردم و آنباشته شدن زندان‌ها منجر شد، حالا سکوت اختیار کرده‌اند. غیر از مواردی استثنایی که از فرط تنگدستی است!

در چنین شرایطی است که احتمالاً حکومت ناچار بر اثر فشار تحریم‌ها، تن به یک سازش گام به گام دهد.